

فصل دل سپردن

مژگان زارع



بهار - ۱۳۹۱

نشر شادان



گروه فرهنگی انتشاراتی

انتشارات شادان

دفتر مرکزی:

تهران - کوی نصر (گیشا)، خیابان جوادفاضل جنوبی.

شماره ۱۰۲. تلفن: ۸۸۲۶۷۲۹۸ - ۸۸۲۴۱۰۲۰

فروشگاه (آینده):

تهران - کوی نصر - بین خیابان یازدهم و سیزدهم.

شماره ۲۰۲. تلفن: ۸۸۲۶۹۶۶۰ - ۸۸۲۷۴۶۷۷

www.shadan-pub.com

shadan@shadan-pub.com

فصل دل سپردن

نویسنده: مژگان زارع

نوبت چاپ: اول - بهار ۹۱

عیراستار: اصغر اندرودی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۹-۷۱-۰

کتابخانه ملی: ۲۶۶۸۵۴۱

تیراژ: ۲۵۰۰ جلد

قیمت: ۹۵۰۰۰ ریال

زارع . مژگان

فصل دل سپردن - نویسنده: مژگان زارع /

تهران: شادان / ۱۳۹۰ - ۳۷۰ صفحه /

(رمان ۱۱۴۲)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۹-۷۱-۰

ISBN: 978-964-2919-71-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱- داستانهای فارسی - قرن ۱۴

۶ الف ۳۸۴۵ / الف ۸۰۷۶ PIR

۱۳۹۰

کتابخانه ملی ایران

۸۵۳/۶۲

۲۶۶۸۵۴۱

یادآوری: کلمه حق این اثر متعلق
به انتشارات شادان می باشد و هرگونه
استفاده از آن یا مجوز ناشر مجاز است.



غیرمجاز برای
دانلود رایگان

استفاده از کتابهای شادان برای قرار
دادن در سایت های مختلف - به هر شکل -
غیرمجاز و به دور از اصول اخلاقی است.

احساس نیکبختی...

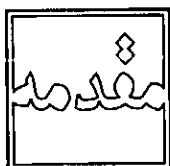
برای رسیدن به خوشبختی همیشه منتظریم...
همواره به دنبال یک اتفاق دیگر برای احساس خوشایند
نیکبختی هستیم!

مثل یک سفر، وقتی قرار است به جایی برویم که
زیباست و دل‌انگیز... و همچنین قرار است از بودن در
آنجا لذت ببریم. این تجربه‌ای است که همه ما
داشته‌ایم. در تمام طول سفر منتظر رسیدنیم. انگار که
قرار است اتفاقی عجیب و خارق‌العاده در مقصد رخ
دهد.

مثل زندگی، وقتی قرار است یک کار دیگر کنیم تا
به حس خوشبختی برسیم: اگر فارغ‌التحصیل شوم، اگر
شاغل شوم، اگر ازدواج کنم و فرزندم به‌دست‌م‌آید و
دهها «اگر» دیگر! هر بار به خود می‌گوییم اگر این اتفاق
بیفتد و این مرحله را بگذارم، دیگر به آن نهایت و
خوشبختی رسیده‌ام.

ولی واقعاً این احساس آرامش و خوشبختی
کجاست؟ آیا رسیدن به هر مرحله و گذر از آن می‌تواند
به ما حسی دلخواه از نیکبختی بدهد؟

یکی می‌گفت سفر از لحظه‌ای شروع می‌شود که
تصمیم به رفتن می‌گیری. یعنی حتی انجام مقدمات سفر
هم جزئی جدائی‌ناپذیر از آن است. سفر، رسیدن به
جایی خاص نیست. سفر طی طریقی است که از همان
اولین لحظه آغاز می‌شود. حتی جاده و مسیر هم قسمتی
از سفر است و نباید آن را نادیده گرفت تا به مقصد



برسیم. درست شبیه به زندگی: خوشبختی و رسیدن به آرامش در زندگی هم یک اتفاق یا معجزه و یا یک لحظه خاص نیست. اگر می شد تا یاد بگیریم زندگی تمامی این لحظاتی است که ناآگاهانه فدای یک حادثه در آینده می کنیم، شاید نگاه ما به زندگی تغییر می کرد. آن موقع شاید بهتر درک می کردیم که برای رسیدن به آن خواسته ای که سالها در انتظارش بوده ایم نیازی به یک شرایط ویژه نیست و سفر ما در زندگی مدتهاست آغاز شده است!

کتاب حاضر نیز یک تجربه از همین خواسته ما آدم ها برای رسیدن به احوالی است که خوشبختی نام دارد. نویسنده، داستان را در پیچ و خم هایی به پیش می برد و شخصیت های قصه همواره در پی یافتن آن اتفاق ویژه تلاش می کنند، مثل بسیاری از ما؛ جستجوی حسی خوشایند در پس دیواری که پیش روی ماست و تصور می کنیم با گذر از آن دیوار، به سرزمین آمال رسیده ایم.... و اما غافل از آنیم که دیوارها یکی پس از دیگری می آیند و ما همواره در خیال گذر از آخرین دیواریم... دیوارهایی که پایانی ندارند.

شاید هر کس به موقع به این درک برسد که تمامی زندگی یک سفر است و از بدو تولد شروع شده، به نیکبختی رسیده است. این یعنی دیگر منتظر عبور از دیوارها و موانع نیستیم و از لحظه اکنون آگاهانه استفاده می بریم و قدردان آن هستیم. البته اگر درست سر بزنگاه به این نوع نگرش رسیده باشیم... وقتی که دیگر دیر نیست!... آن گاه بهتر می توانیم زندگی را به آن تعالی موعود برسانیم.

تجربه کتاب حاضر و داستانش را به تمامی کسانی تقدیم می کنیم که نگاهی این گونه به سفر خویش تا تکامل دارند.

سفرتان پربار!

بهمن رحیمی

خرداد ماه ۱۳۹۱ - تهران

لست آن.